



تحلیل موانع کار آفرینی از دیدگاه دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی

رویا اربعین^{۱*}، کبری ارکوازی^۲، محمد حسین بابایی^۳

^۱ دانش آموختگان ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی، ^۲ دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی

چکیده

کارآفرینی در سال‌های اخیر به طور فزاینده‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است. با این وجود توجه به موانع توسعه کارآفرینی سابقه چندانی ندارد. لذا تحقیق پیمایشی حاضر با هدف تحلیل موانع کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش ۲۸۵۰ نفر از دانشجویان رشته‌های مختلف در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ بودند که تعداد ۲۰۰ نفر از آنان با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه‌ای بود که روایی آن توسط برخی از اساتید و صاحب‌نظران کارآفرینی در سطح دانشگاه‌های استان تایید گردید. به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد، آلفای محاسبه شده برابر ۰/۹۳ بود که نشان دهنده اعتبار قابل قبول آن می‌باشد. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد: عوامل آموزشی، حمایتی، سیاست‌گذاری، اطلاعاتی- ارتباطی و زیرساختی از دیدگاه دانشجویان مورد مطالعه به عنوان موانع کارآفرینی تلقی می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، موانع، دانشجویان

مقدمه

نیروی انسانی مهم‌ترین عامل توسعه در هر جامعه می‌باشد، لذا به منظور نیل به توسعه پایدار و متوازن، تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه در نهادهای آموزشی به عنوان یک اصل اساسی و ضروری مطرح است. جامعه‌ای می‌تواند در مسیر توسعه گام بردارد که از طریق ایجاد بسترهای لازم، منابع انسانی خود را به دانش و مهارت کارآفرینی تجهیز نموده تا با استفاده از این توانمندی ارزشمند جامعه را به سوی رشد و توسعه هدایت کند. یکی از راه‌هایی ترویج و توسعه کارآفرینی در کشور، نظام آموزشی به خصوص آموزش عالی می‌باشد (نوروززاده و رضایی، ۱۳۸۹). بنابراین نقش دانشگاه را به عنوان نهادی موثر و کارآمد در دستیابی کشور به توسعه پایدار نمی‌توان نادیده گرفت به طوری که امروزه دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی به منظور ماندگاری، انتظام و بالندگی جامعه تلاش می‌کنند که از طریق آموزش و تربیت نیروی انسانی فرهیخته در گستره جهانی به رشد سریع، بهبود مستمر، سود بخشی، انعطاف پذیری، انطباق پذیری، آمادگی برای آینده و برخورداری از موقعیت ممتاز در عرصه فعالیت خود برسند. امروزه یکی از دغدغه‌های آموزش عالی پرورش دانش آموختگانی است که از طریق به کارگیری دانش و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل تازه پدید آورده و وارد عرصه کارآفرینی شوند. این امر آماده سازی فارغ التحصیلان دانشگاهی را از طریق توسعه فرهنگ کارآفرینی در بین آنان ضروری می‌سازد. آنچه مسلم است آماده سازی برای



کارآفرینی نباید بعد از فارغ التحصیلی صورت گیرد بلکه به منظور تحقق این امر لازم است که طی فرآیندی در حین تحصیل مقدمات لازم کارآفرینی فراهم و موانع آن برطرف گردند (امیری و مرادی، ۱۳۸۷). از طریق گسترش کارآفرینی در دانشگاه‌ها می‌توان اعتماد به نفس و مهارت دانشجویان را افزایش داده و ایشان را برای راه اندازی و گسترش کسب و کارهای جدید در بخش های گوناگون از جمله بخش کشاورزی توانمند نمود. علی‌رغم بالا بودن نرخ بیکاری در میان دانش‌آموختگان کشاورزی و ضرورت گسترش کارآفرینی و آموزش‌های کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی برای رویارویی اثر بخش با بیکاری فزاینده در این بخش، شواهد موجود حاکی از آن است که آموزش عالی کشاورزی در فرآیند تغییر و تحول پرشتاب پیرامون خود از کارایی مطلوب برخوردار نبوده و نتوانسته است فراگیران را برای سازگاری با وضعیت متغیر آماده سازد به گونه‌ای که در این زمینه یکی از مهم‌ترین مشکلات آموزش عالی کشاورزی گسترش کارآفرینی در میان دانشجویان و دانش‌آموختگان این بخش است (حسینی و عزیز، ۱۳۸۶). با در نظر گرفتن وضعیت کنونی نظام آموزش عالی کشاورزی کشور به نظر می‌رسد که دشواری‌ها و موانعی بر سر راه گسترش کارآفرینی وجود دارد که سبب شده است دانشجویان و دانش‌آموختگان این بخش تا حد زیادی از مهارت‌ها و ویژگی‌های اصلی کارآفرینان برخوردار نباشند. از آن جایی که کارآفرینی باعث کاهش بیکاری، افزایش بهره‌وری افراد و منابع و در نهایت افزایش درآمد دانش‌آموختگان می‌گردد، توجه به موانع کارآفرینی از مسائل قابل توجه در توسعه کارآفرینی می‌باشد. مطالعات و پژوهش‌هایی در داخل و خارج از کشور به منظور شناسایی موانع کارآفرینی صورت گرفته است که در این بخش برخی از آنان مورد بررسی قرار گرفته اند.

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی " Entreprenre " به معنی " متعهد شدن " نشأت گرفته است. طبق واژه‌نامه دانشگاهی وبستر، کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود، مخاطرات یک فعالیت اقتصادی را سازمان‌دهی، اداره و تقبل کند (رضوانی و نجار-زاده، ۱۳۸۷). از نظر تیمونز (۱۹۹۰) کارآفرینی، ایجاد یک چیز ارزشمند از هیچ و کارآفرین کسی است که دارای قدرت درک بالا و توانایی یافتن فرصت‌هاست و می‌تواند از طریق پرورش اندیشه و ایده خود و تبدیل آن به محصول یا خدمتی جدید، اقدام به ارزش آفرینی از هیچ نماید (صمدی و شیرزادی اصفهانی، ۱۳۸۶). پوراتشی (۱۳۸۷) به نقل از مردیت و همکاران، کارآفرین را فردی دانسته، که توانایی آن را دارد تا فرصت‌های کسب و کار را ببیند و آن‌ها را ارزیابی، منابع لازم را جمع‌آوری و از آن بهره‌برداری کند و عملیات مناسبی را برای رسیدن به موفقیت پی‌ریزی نماید. کارآفرین فردی خود اشتغال است که از قدرت پیش‌بینی اقتصادی خوبی برخوردار بوده، تمایل به ریسک داشته و از این طریق سود یا ضرر می‌کند. در نتیجه به تعادل و پایداری اقتصاد بازار کمک می‌کند (علی‌بیگی و همکاران، ۱۳۸۷).

شری و همکاران^۱ (۲۰۰۱)، دستیابی به منابع مالی مورد نیاز کارآفرینان را از موانع توسعه کارآفرینی بیان نموده‌اند. ابن علی و ابر رجبی نسب (۱۳۸۶)، در پژوهش خود پیرامون مانع‌های گسترش کارآفرینی دانشگاهی در بخش کشاورزی شاخص‌هایی چون ناکارایی کافی نظام آموزش عالی کشاورزی، نبود یک الگوی مشخص برای گسترش مهارت‌های کارآفرینی در نیروهای دانش-آموخته، دیر بازده بودن سرمایه گذاری در بخش کشاورزی و نبود هماهنگی مناسب بین دستگاه‌های اجرایی و نهادهای متولی کارآفرینی به عنوان مهمترین مانع های گسترش کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی در نظر گرفته‌اند. مقیمی (۱۳۸۳)، معتقد است که موانع کارآفرینی در ایران مربوط به عوامل ساختاری، رفتاری، محیطی و زمینه‌ای می‌باشد. حاجی میررحیمی و



مخبر(۱۳۸۸)، در پژوهشی به بررسی موانع گسترش کارآفرینی در نظام آموزش عالی علمی- کاربردی کشاورزی پرداخته‌اند، نتایج پژوهش مذکور نشان می‌دهد که در فرآیند گسترش کمی و کیفی آموزش کارآفرینی به ترتیب ۵ عامل شامل: کاستی در توانایی- های حرفه‌ای و کارکردی منابع انسانی و فیزیکی، اعتبار کم محتوای آموزشی- درسی، ضعف نگرشی و کارکردی دانش‌آموختگان کشاورزی، ناهماهنگی در توانایی‌ها و پروژه‌ها و وجود تنگناهای اعتباری از جمله موانع گسترش کارآفرینی در نظام آموزش عالی علمی- کاربردی کشاورزی می‌باشند. علاوه بر این رضوی و همکاران(۱۳۹۱)، موانع ارتباطی، موانع آموزشی، موانع تسهیلاتی، موانع فردی- شخصیتی و موانع حمایتی- قانونی را به عنوان عمده‌ترین موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی از دیدگاه دانشجویان بر شمرده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش یعقوبی (۱۳۸۹)، مهم‌ترین موانع بازدارنده کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی عبارتند از: مدرک گرایی افراطی در بین دانشجویان و توجه نکردن به یادگیری مهارت‌های کاربردی، گسترش کمی دانشکده‌های کشاورزی بدون توجه به کیفیت علمی در آن‌ها، فعالیت‌های کاربردی محدود در زمینه درس‌های ارائه شده، ضعف مهارت‌های ویژه استادان برای ایجاد انگیزه و پرورش نوآوری در دانشجویان، عدم انطباق آموخته‌های دانشجویان با نیازهای بازار کار و استفاده از روش‌های سنتی آموزش. رایت و همکاران^۱ (۲۰۰۷)، از شکاف مالی و شکاف دانش به عنوان مهم‌ترین موانع کارآفرینی دانشگاهی یاد کرده‌اند. همچنین گیب^۲ (۲۰۰۳)، عدم پشتیبانی مدیران و برنامه‌ریزان از پیاده‌سازی و گسترش کارآفرینی در موسسات آموزش عالی را از مهم‌ترین موانع گسترش کارآفرینی دانشگاهی به شمار آورده است. در مطالعه دیگری که به بررسی عوامل و موانع موثر در کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی از دیدگاه دانشجویان پرداخته است بی‌اطلاعی از بازار کار متناسب با رشته تحصیلی و سطح نامناسب دانش و مهارت‌های تجربی و شغلی دانش‌آموختگان کشاورزی به ترتیب به عنوان موانع کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان شناخته شده‌اند(منجم زاده، ۱۳۹۰). باقری و نمازیان (۱۳۹۱)، موانع کارآفرینی را شامل: آموزش‌های نامناسب، نظام ناکارآمد بوروکراتیک، عدم پذیرش تغییر و انجماد فکری، عدم اعتماد به نفس و خودباوری، تمایل به هم‌رنگی و ترس از متفاوت عمل کردن، ضعف در کار تیمی، ترس و روحیه محافظه کاری، رخوت اجتماعی و ایده‌آل‌گرایی به جای عمل‌گرایی، عدم استفاده صحیح از منابع انسانی، تغییرات و محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی، عدم استفاده صحیح از منابع مالی می‌دانند.

با توجه به پژوهش‌های بالا به نظر می‌رسد نخستین گام جهت رفع موانع کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی انجام مطالعاتی به منظور شناسایی موانع کارآفرینی می‌باشد؛ لذا هدف از مطالعه مذکور تحلیل موانع کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه می‌باشد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی، از نظر گردآوری داده‌ها پیمایشی و از لحاظ شیوه تحلیل داده‌ها از نوع توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی تشکیل داده‌اند (N=۲۸۵۰). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران معادل ۲۰۰ نفر به دست آمد. نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب انجام گرفت. به منظور گردآوری داده‌ها پس از بررسی جامع ادبیات موضوع، پرسشنامه‌ای طراحی و تدوین شد. جهت سنجش روایی

1 Wright et al.

2 Gibb



شکلی پرسشنامه نقطه نظرهای چندین تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه پرسیده شد و مبتنی بر نظرات ارائه شده اصلاحات لازم به عمل آمد. به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید که میزان آن برابر ۰/۹۳ بود که حاکی از قابلیت بالای ابزار پژوهش می‌باشد. داده‌ها با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های از فراوانی، درصد، انحراف معیار، میانگین و تحلیل عاملی استفاده شد.

نتایج

یافته‌های حاصل از تحقیق نشان داد، ۵۶ درصد از پاسخگویان مرد بودند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۲ سال می‌باشد که جوان‌ترین آنها ۱۸ و مسن‌ترین آنها ۳۶ سال سن داشت. اکثر پاسخگویان مجرد (۷۵/۶ درصد) بوده و اغلب (۶۵/۲) فاقد شغل می‌باشند. بیشترین تعداد دانشجویان (۳۳ درصد) مربوط به رشته زراعت و اصلاح نباتات بود.

به منظور رتبه‌بندی موانع توسعه کارآفرینی در بین دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی از ۴۰ گویه در مقیاس طیف لیکرت استفاده شد. یافته‌های تحقیق در این زمینه نشان داد که گویه‌های عدم ارایه آموزش‌های عملی و کاربردی جهت آماده سازی دانشجویان برای ورود به بازار کار و عدم حمایت از طرح‌های کارآفرینانه دانشجویان به ترتیب در بالاترین رتبه‌ها قرار گرفتند و گویه‌های عدم انجام تحقیقات کاربردی و مرتبط با نیاز بازار کار در دانشگاه و همچنین عدم وجود مدیرانی با روحیه کارآفرینی بالا به ترتیب پایین‌ترین رتبه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

جهت کاهش شمار متغیرهای تحقیق به عامل‌های کمتر و تعیین سهم هر یک از عامل‌ها از تحلیل عاملی استفاده شد. به این منظور ۴۰ متغیر مورد نظر وارد تحلیل شدند و مقدار $KMO = ۰/۹۳۱$ و آماره بارتلت معادل $۹۹۷۵/۳۴۶$ محاسبه شد که در سطح $P = ۰/۰۱$ معنا دار می‌باشند. این امر حاکی از مناسب بودن متغیرهای وارد شده برای تحلیل عاملی می‌باشد. همچنین برای تعیین میزان، تعداد عامل‌های از معیار مقدار ویژه استفاده شد. عامل‌های مدنظر قرار گرفته شد که مقدار ویژه ه آنها از یک بزرگتر بود. عامل‌های استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- عامل‌های استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
اول	۳/۷۲۲	۱۳/۲۹۲	۱۳/۲۹۲
دوم	۳/۱۰۴	۱۱/۰۸۶	۲۴/۳۷۹
سوم	۳/۰۸۲	۱۱/۰۰۷	۳۵/۳۸۶
چهارم	۳/۹۳۸	۱۰/۴۹۲	۴۵/۸۷۷
پنجم	۳/۳۹۶	۸/۵۵۸	۵۴/۴۳۶

در ضمن، ۹ متغیر به علت دارا بودن بار عاملی کمتر از ۰/۵ و در نتیجه معنادار نبودن همبستگی آن‌ها با دیگر متغیرها، از تحلیل حذف شدند.

عوامل موثر در تحلیل به صورت آموزشی، حمایتی، سیاست‌گذاری، اطلاعاتی-ارتباطی و زیر ساختی نام گذاری شدند. بر اساس نتایج تحقیق عامل آموزشی با مقدار ویژه ۳/۷۲ بیشترین سهم را در تبیین متغیرها داشت. پس از آن عوامل حمایتی با مقدار ویژه ۳/۱۰ سیاست‌گذاری، با مقدار ویژه ۳/۰۸، اطلاعاتی - ارتباطی با مقدار ویژه ۲/۹۳ و زیر ساختی با مقدار ویژه ۲/۳۹ قرار داشتند. چهار عامل بالا در جمع حدود ۵۴/۴۳ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین نمودند که نشان از درصد بالای واریانس تبیین شده توسط این عامل‌ها می‌باشد (جدول ۲).



جدول ۲- خلاصه تحلیل عاملی چرخش یافته

نام عامل	متغیرها	بار عاملی
آموزشی	عدم برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت در دانشگاه	۰/۵۰۴
	عدم برگزاری همایش‌های کارآفرینی در دانشکده	۰/۶۳۳
	عدم ارائه آموزش‌های عملی برای ورود به بازار کار	۰/۶۹۸
	عدم تناسب سر فصل‌های دروس دانشگاهی با کارآفرینی	۰/۷۵۹
	عدم آموزش مهارت‌های مدیریتی	۰/۴۹۶
	ضعف دانشجویان در زمینه حل مسئله	۰/۷۱۰
	عدم ارائه کتب مرتبط با کارآفرینی و ایجاد کسب و کار	۰/۵۹۱
	فراهم نکردن تسهیلات لازم برای دانشجویان کارآفرینی	۰/۶۲۱
	عدم حمایت از طرح‌ها و ایده‌های دانشجویان	۰/۶۶۸
	عدم وجود مشوق جهت اجرای کارها به صورت گروهی	۰/۷۵۱
حمایتی	عدم وجود تسهیلات حمایتی لازم جهت ورود به عرصه کار	۰/۷۲۴
	حمایت نکردن از تعاونی‌های دانشجویی	۰/۴۸۳
	فقدان مراکزی جهت ارتباط دانش‌آموختگان با دانشگاه	۰/۴۵۶
	فقدان مدیران دارای روحیه کارآفرینی	۰/۷۲۵
	عدم وجود برنامه‌ریزی استراتژیک به منظور توسعه کارآفرینی	۰/۷۷۵
	عدم تدوین راهبردهایی جهت ارتباط صنعت و دانشگاه	۰/۷۷۳
	عدم توجه به کارآفرینی در سطح سیاست‌گذاری‌های کلان	۰/۶۴۹
	نبود مرکز رشد و کارآفرینی در دانشگاه	۰/۵۰۶
	فقدان پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی	۰/۴۱۶
	فقدان مراکزی جهت ارتباط دانشجویان کشاورزی با صنعت	۰/۶۴۲
اطلاعاتی - ارتباطی	عدم ارتباط دانشکده با بخش خصوصی	۰/۵۹۶
	نبود منابع اطلاعاتی کافی در زمینه کارآفرینی	۰/۶۱۶
	عدم ارتباط دانشجویان با کارآفرینان موفق	۰/۵۵۸
	عدم بهره‌گیری از تجارب کارآفرینان موفق توسط دانشگاه	۰/۵۹۸
	معرفی نکردن دانشجویان به سازمان‌های کارآفرینی جهت گذراندن دوره کارآموزی	۰/۴۲۹
	نبود امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی در دانشگاه	۰/۵۳۶
	عدم وجود برنامه‌ریزی کافی جهت بازدیدهای آموزشی	۰/۴۰۸
	نبود تناسب بین تحقیقات و نیازهای بازار کار	۰/۵۵۶
	عدم هماهنگی دروس با تغییر و تحولات جامعه	۰/۴۰۳
	فراهم نکردن شرایط مناسب جهت دسترسی دانشجویان به فناوری اطلاعات	۰/۵۶۲
نبود زیرساخت‌های لازم جهت ایجاد رشته‌های آموزشی بین رشته‌ای	۰/۴۸۱	



با توجه به یافته‌های ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت فقدان عوامل آموزشی، حمایتی، سیاست‌گذاری، اطلاعاتی- ارتباطی و زیرساختی از موانع توسعه کارآفرینی در بین دانشجویان دانشکده کشاورزی می‌باشد.

بحث

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد، عدم ارائه آموزش‌های لازم جهت آماده‌سازی دانشجویان جهت ورود به بازار کار و حمایت از طرح‌ها و ایده‌های کارآفرینی به ترتیب در بالاترین رتبه و عدم تحقیقات کاربردی و مورد نیاز بازار کار و مدیران فاقد روحیه کارآفرینی در پایین‌ترین رتبه‌ها قرار گرفته‌اند. این نتایج نشانگر مشکلات موجود در نظام آموزشی در ارائه آموزش‌های عملی و کاربردی به منظور آمادگی دانشجویان برای اشتغال می‌باشد. ابن علی و ابر رجبی نسب (۱۳۸۶)، نیز در مطالعه خود بر ناکارایی کافی نظام آموزش عالی تاکید نموده‌اند. همچنین حاجی میررحیمی و مخبر (۱۳۸۸)، نیز به اعتبار کم آموزش دروس اشاره نموده‌اند. یعقوبی (۱۳۸۹) و رایب و همکاران (۲۰۰۷)، نیز عدم توجه به فراگیری مهارت‌ها و عوامل آموزشی را از جمله موانع توسعه کارآفرینی دانسته‌اند.

عوامل حمایتی نیز از جمله موانع توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان شناخته شده‌اند. رضوی و همکاران (۱۳۹۱)، نیز در مطالعات خود عوامل حمایتی- قانونی و عدم پشتیبانی و حمایت مدیران را به عنوان موانع توسعه کارآفرینی به شمار آورده‌اند که خود تاییدی بر نتایج پژوهش حاضر می‌باشد. از دیگر نتایج حاصل از پژوهش فقدان سیاست‌گذاری مناسب می‌باشد که نشان‌دهنده عدم تدوین برنامه و راهبردهایی نو توسط دانشگاه به منظور تقویت و توجه بیشتر به امر کارآفرینی در بین دانشجویان بود. نتایج مطالعه گیب (۲۰۰۳)، نیز با این یافته مطابقت دارد. منجم‌زاده (۱۳۹۰) و مقیمی (۱۳۸۳)، از عوامل ساختاری به عنوان یکی از مهم-ترین موانع توسعه کارآفرینی یاد کرده‌اند که یافته‌های آنان در راستای نتایج حاصل از این پژوهش می‌باشد. در نهایت عوامل اطلاعاتی- ارتباطی به عنوان یکی دیگر از موانع توسعه کارآفرینی شناخته شد که رضوی و همکاران (۱۳۹۱)، نیز عامل فوق را در زمره موانع کارآفرینی قرار داده‌اند.

در ادامه، با توجه به نتایج حاصل از پژوهش به منظور برطرف نمودن موانع کارآفرینی دانشجویان پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- جهت افزایش آگاهی دانشجویان در خصوص کارآفرینی و منطبق نمودن دانش و اطلاعات با نیازهای بازار کار پیشنهاد می‌شود که دانشگاه اقدام به برگزاری دوره های کوتاه مدت و کارگاه‌های آموزش عملی نماید همچنین بدین منظور باید زیر ساخت‌های لازم از قبیل کارگاه، آزمایشگاه و در محیط دانشگاه فراهم گردد.
- ۲- به منظور نهادینه کردن کارآفرینی در دانشجویان، توجه به مبحث کارآفرینی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کلان توصیه می‌گردد. لذا، الزام دانشجو به ارائه طرحی کارآفرینانه جهت اشتغال در بازار کار در پایان دوره تحصیلی در نظر گرفته شود.
- ۳- پیشنهاد می‌گردد، تسهیلات ویژه‌ای جهت طرح‌های کارآفرینانه دانشجویان و فراهم نمودن شرایطی جهت ایجاد تعاونی‌های دانشجویی در نظر گرفته شود.
- ۴- توصیه می‌گردد که دروس کارآفرینی توسط مدرسانی ارائه گردد که دارای سابقه و گواهینامه کارآفرینی باشند.
- ۵- در نهایت پیشنهاد می‌گردد که دانشجویان جهت گذراندن دوره‌های کارآموزی به موسسات کارآفرین معرفی شده و زمینه ارتباط آنان با این مرکز فراهم گردد.



منابع

۱. ابن علی، ل. و ابر رجبی نسب، ع. (۱۳۸۶). موانع توسعه کارآفرینی دانشگاهی (بخش کشاورزی). همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی (گذشته، حال، آینده)، ۲۶ آبان ۱۳۸۶، سمنان، دانشگاه سمنان.
۲. امیری، ع. ن.، و مرادی، ی. (۱۳۸۷). نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان و موانع آن. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۹.
۳. باقری، م.، و نمازیان، م. (۱۳۹۱). موانع کارآفرینی در ایران، نقش بومی‌سازی و راهکارها. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، آبان ۱۳۹۱.
۴. پورآنتشی، م. (۱۳۸۷). کارآفرینی، راهکاری در جهت اشتغال دانش آموختگان آموزش‌های علمی-کاربردی کشاورزی. همایش ملی توسعه کارآفرینی در آموزش‌های علمی-کاربردی کشاورزی، دی ماه ۱۳۸۷.
۵. پیکری‌فر، ف.، و مه‌نگار، ف. (۱۳۹۱). بررسی نقش دانشگاه‌ها در توسعه کارآفرینی. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، آبان ۱۳۹۱.
۶. حاجی میررحیمی، د.، و مخبر، ع. (۱۳۸۸). آموزش کارآفرینی و توسعه آن در نظام آموزش عالی علمی-کاربردی کشاورزی (دلایل و ضرورت‌ها). فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۹، تابستان و پاییز ۱۳۸۸.
۷. حسینی، م.، و عزیزی، ب. (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر در توسعه روحیه و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان سال آخر دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. مجله علوم کشاورزی ایران، دوره ۲-۳۸، شماره ۲.
۸. رضوانی، م.، و نجارزاده، م. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرآیند توسعه نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان برآن جنوبی (شهرستان اصفهان). مجله توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۷.
۹. رضوی، م.، فلاح حقیقی، ن.، رضوانفر، ا.، و کلانتری، خ. (۱۳۹۱). تحلیل موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران (از دیدگاه دانشجویان). مدیریت دولتی، دوره ۴، شماره ۱۰.
۱۰. صمدی، پ.، و شیرزادی اصفهانی، ه. (۱۳۸۶). بررسی رابطه جو سازمانی مدرسه با روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۵، سال پنجم، تابستان ۱۳۸۶.
۱۱. علی‌بیگی، ا.ح.، اطهری، ز.، و بارانی، ش. (۱۳۸۷). تحلیل روحیه کارآفرینی دانشجویان علمی-کاربردی کشاورزی، مطالعه موردی: استان کرمانشاه. همایش ملی توسعه کارآفرینی در آموزش‌های علمی-کاربردی کشاورزی، دی ماه ۱۳۸۷.
۱۲. مقیمی، ف. (۱۳۸۳). گزارش نهایی طرح ارزیابی عملکرد دانشگاه‌های مجری طرح کاراد، سازمان سنجش آموزش کشور.
۱۳. نوروززاده، ر.، و رضایی، ن. (۱۳۸۹). مشوق‌ها و بازدارنده‌های موثر در روحیه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان مراکز آموزش علمی-کاربردی کشاورزی. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۱۲.
۱۴. یعقوبی، ج. (۱۳۸۹). بررسی عامل‌های بازدارنده کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی و ارائه سازوکارهایی برای تقویت آن. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۲ (۸).



15. Gibb, A. (2003). Creating conducive environment for learning and entrepreneurship. *Industry and higher education*, 16(3).
16. Shurry, J., Lomax, S., & Vyakarnam, S. (2001). Household survey of entrepreneurship, IFF research, London.
17. Wright, M., Clarysse, B., Mustar, P., & Lockett, A. (2007). Biomedical academic entrepreneurship through the SBIR program. *Journal of economic behavior and organization*, Vol. 63.

Analysis of Razi university's agricultural student perspective about entrepreneurship barriers

Arbaeen, R.*¹, Arkavazi, K.², Babaei, M. H.³

^{1,2} MSC graduated students of agricultural extension and education, agricultural college, Razi university, ³ PHD student of agricultural extension and education, agricultural college, Razi university

Abstract

Entrepreneurship has been studied increasingly in recent years. However, study on entrepreneurship's barriers has little experience. So this survey was conducted to analysis Razi university's agricultural student perspective about entrepreneurship barriers. Population of this study consisted of undergraduate students in 1390 – 1391 at agricultural faculty (N= 2850). 200 of them were selected by Cochran formula and stratified random sampling as sample. Data collection tools of this research was a structured questionnaire that it's validity confirmed by entrepreneurship professors and scholars. In order to measure reliability of research tool, Cronbach's Alpha coefficient was calculated, this calculated Alfa was 0.93 which shows it's acceptable credit. For data analysis, SPSS software was used. Results indicated that educational, supportive, policy transition, informational – communicational and infrastructural factors are considered as entrepreneurship's barriers from under study student's perspective.

Key Words: entrepreneurship, barriers, students